



دوماهنامه بین‌المللی

۱۵۵، ش ۶ (پیاپی ۸۴)، بهمن و اسفند ۱۴۰۳، صص ۴۷۵-۴۸۷

مقاله پژوهشی

DOI: 10.48311/rr.2026.90559.0

[https://rr.modares.ac.ir/article\\_29020.html](https://rr.modares.ac.ir/article_29020.html)

## بررسی تطبیقی شگردهای واژگانی در عبارات تجلیلی و فروتنانه در دو زبان چینی و فارسی

زهرا عباسی<sup>۱\*</sup>، لیو یینگ جون<sup>۲</sup>

۱. دانشیار آموزش زبان فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. استاد دانشگاه پکن

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۳

### چکیده

ادب مقوله‌ای جدایی‌ناپذیر از ارتباطات انسانی است و بازنمایی زبانی آن به ساختار جوامع زبانی و الگوهای رفتار اجتماعی در آن جوامع بستگی دارد. این مقاله به مقوله ادب در زبان فارسی و چینی و بررسی شگردهای زبان‌شناختی برای بیان ادب در عبارات تجلیلی و فروتنانه در این زبان‌ها می‌پردازد. نشانگرهای تجلیلی و فروتنانه در قالب ضمائر، عناوین خطاب، گروه‌های اسمی و فعلی بررسی شده است. همچنین در زبان چینی بازنمایی ساختارهای تجلیلی و فروتنانه از طریق ساخت اسم مرکب و فعل مرکب با استفاده از تکواژهای صفتی تجلیلی یا تکواژهای خودفروکاهانه تجلی می‌یابد. این تکواژهای صفتی در نقش پیشوند به اسم و فعل اضافه می‌شود و ساخت مرکب تجلیلی یا فروتنانه را تشکیل می‌دهد. اما در زبان فارسی گویشوران با استفاده از گسترش گروه اسمی و فعلی با اضافه کردن وابسته صفتی و قیده‌های تجلیلی و فروتنانه ادب خود را اظهار می‌نمایند؛ بنابراین بازنمایی ادب در زبان چینی در سطح صرفی عمل می‌کند و در زبان فارسی در سطح نحوی. در زبان فارسی برخی افعال سه گونه تجلیلی، خنثی و فروتنانه دارند. تحلیل عناوین خطاب حاکی از تفاوت چشمگیر در دو زبان است. درحالی‌که عبارات تجلیلی و فروکاهانه در زبان چینی بسیار بیشتر از زبان فارسی است؛ در زبان فارسی گوینده برای افراد بزرگتر و فرادست و نیز کشور و شهر و وطن خود، هیچ عبارات فروکاهانه‌ای در هیچ بافتی به کار نمی‌برد، درحالی‌که در زبان چینی عبارات فروکاهانه در موارد ذکرشده نیز رایج است.

**کلمات کلیدی:** ادب زبان‌شناختی، نشانگرهای تجلیلی، عبارات فروتنانه، تکواژ صفتی، زبان چینی، زبان فارسی.

## ۱. مقدمه

زبان بازتاب فرهنگی است که با آن در ارتباط است و ارتباطات کلامی نقش بسزایی در زندگی اجتماعی افراد دارد و برقراری ارتباط زبانی مؤثر، مستلزم تسلط بر مهارت‌های کلامی و غیرکلامی و نکات فرهنگی جامعه زبانی است. یکی از این مهارت‌های کلامی، رعایت ادب در تعاملات اجتماعی است که از آن به عنوان قلب ارتباطات اجتماعی نام می‌برند. ادب به عنوان پدیده اجتماعی و معیار رفتاری، رویکردی است که به منظور حفظ رابطه بین فردی اتخاذ می‌شود و به عنوان نوعی هنجار رفتاری مرسوم فارغ از فرهنگ شخصی از آن استفاده می‌شود. ادب زبانی مجموعه‌ای از راهبردها یا مدل‌های گفتاری است که افراد به عنوان هنجار برای خود و دیگران و نیز به عنوان هنجارهای رفتاری شرطی شده اجتماعی، کلامی و غیرکلامی، در یک گروه اجتماعی خاص به کار می‌بندند.

وجود ادب را که در جایگاه نگرش عمومی مردم و هنجاری اجتماعی عمل می‌کند، می‌توان در زندگی روزمره، هم از اعمال و هم از الگوهای گفتاری مردم مشاهده کرد. به دلیل تفاوت چشمگیر در بازنمایی ادب به مخاطب در فرهنگ‌های مختلف و همچنین تفاوت در ابزارها و امکانات زبانی در زبان‌های مختلف، نشانگرهای زبانی رعایت ادب ممکن است از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت باشد. برای مثال در غرب، لبخند زدن فرد به افرادی که از کنارشان می‌گذرند، یا با دست باز نگاه داشتن درها برای دیگران و حفظ فضای شخصی مناسب، اقدامات مؤدبانه محسوب می‌شود و گوینده مؤدب نمی‌تواند سؤال‌های خجالت‌آوری در مورد زندگی شخصی افراد بپرسد. در شرق، مهمترین نمود ادب، تواضع، و به‌کارگیری جملات و تعارفات خاص و رفتار محترمانه با بزرگ‌ترها و افرادی است که از نظر اجتماعی برتر هستند. در فرهنگ چینی و آسیای شرقی، تعظیم به بزرگ‌ترها، استفاده از هر دو دست هنگام دریافت اشیا و کمی خم شدن هنگام دست دادن می‌تواند به انتقال ادب کمک کند، همچنین کاربرد واژه‌های مؤدبانه تجلی بسیار مرسوم است. براساس سنت چینی و آموزه‌های آیین کنفوسیوس، تأکید بر آداب و رسوم، مقدم‌داشتن مخاطب بر خود و فروتنی منجر به توسعه زبان مؤدبانه از اوایل دوران امپراتوری شد و تا اکنون ادامه دارد. براین اساس در زبان چینی مجموعه‌ای غنی از اصطلاحات و عبارات مؤدبانه برای بیان ادب یا احترام، چه به صورت کلامی و چه به صورت نوشتاری رسمی، تکامل یافته است. با وجود تحقیقات ارزنده‌ای که در زمینه نظریه ادب در زبان فارسی انجام گرفته، پژوهش‌های تطبیقی در باب ادب در زبان فارسی و چینی انجام نشده است. هدف این مقاله بررسی

مبانی فرهنگی گفتار مؤدبانه و تحلیل ساختار عبارات تجلیلی و فروتنانه در زبان چینی مدرن و فارسی و تحلیل تطبیقی شباهت و تفاوت در شگردهای واژگانی مورد استفاده برای بیان ادب در دو زبان چینی و فارسی است.

## ۲. پیشینه پژوهش

از میان پژوهش‌های ایرانیان درخصوص بررسی بازنمایی ادب در زبان فارسی، برخی به بافت شفاهی گفتار توجه کرده و برخی به جلوه‌های ادب در متون ادبی فارسی و بافت نوشتاری پرداخته‌اند. مؤمنی و همکاران (۱۴۰۲) با بررسی راهبردهای رعایت ادب در گفت‌وگوهای کلاس درس از دیدگاه زبان-شناسی اجتماعی نشان دادند راهبردهای ادب سلبی، در گفتگوهای کلاس درس، دو برابر راهبردهای ادب ایجابی است. ایزدی و مشکین‌فام (۱۴۰۲) تحلیلی پیکره‌بنیاد بر سیر تحول مفهوم «ادب» در جامعه فارسی‌زبان ایران از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۰ ارائه و نشان داده‌اند بازنمود بی‌ادبی در طول ۵۰ سال، روند صعودی داشته است. ایزدی (۲۰۱۶) با بررسی راهبردهای ادب در جلسات دفاعیه در دانشگاه‌های ایران نتیجه گرفته از ده راهبرد ادب سلبی، چهار راهبرد احترام، کاربرد تعدیل‌گرها، بیان غیرمستقیم و شخصی‌زدایی بیشترین بسامد را داشته‌اند. خمیجانی‌فراهانی و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی راهبردهای کلان و خرد ادب در کتاب‌های زبان انگلیسی دوران متوسطه پرداخته‌اند. دانش و طوسی نصرآبادی (۱۴۰۰) با بررسی بازنمود ادب زبانی در قابوسنامه نتیجه گرفتند ادب به صورت پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی و حاصل تعامل سازنده افراد، مفهوم‌سازی شده که دارای ابعاد فکری، بیانی و رفتاری است. آهنگر و همکاران (۱۳۹۹) تأثیر قدرت مخاطب بر گزینش راهبردهای ادب در کنش گفتاری نصیحت‌کردن و ایزدی (۱۳۹۸) مفهوم و مصادیق وجهه در تعارف ایرانی را بررسی کردند. آذرپرند (۱۳۹۸)، تغییرات راهبرد زبانی «خطاب» بین استادان و دانشجویان ایرانی را بررسی کرده و نشان داده در فضای نسبتاً رسمی دانشگاه، ادب مثبت به‌تدریج در حال افزایش است. باغبانی و کرم‌پور (۱۳۹۶) با بررسی نقش ادب و رابطه بین ابزار قدرت و پدیده ادب نتیجه گرفته است میان اصل ادب و قدرت ارتباط عکس وجود دارد. سلیمیان و عبدالکریمی (۱۳۹۶) با بررسی کارایی ادب کلامی در فرهنگ ایرانی به بازنگری تعریف مفهوم وجهه در فرهنگ ایرانی پرداخته و کوتلاکی (۲۰۰۹) نیز در پژوهش خود نظام مشخصی از الگوهای رفتاری و فرهنگی ایرانیان را نشان داده است.

در میان پژوهش‌های پژوهشگران چینی لو و هوانگ (2024) راهبردهای ادب در کاربرد ضمائر شخصی در مکالمات بین‌نسلی و بین‌فرهنگی در چینی‌ماندارین را بررسی کردند و نشان دادند تغییرات ضمیر اول و دوم در زبان چینی‌ماندارین برای درک گویندگان از ادب برحسب موقعیت مخاطبان نشان بسیار ضروری است. مقدم‌داشتن مخاطب بر خود، توجه به موقعیت مخاطب، فاصله اجتماعی و اجرای مستمر ادب، پایه مهمی را در ارزیابی زمینه‌گفتمان در ارتباطات بین‌فرهنگی تشکیل می‌دهد. وانگ (2022) نشان داد هنجارهای اجتماعی مربوط به درک ادب ایجاد شده در فرهنگ، تأثیر زیادی بر شکل‌گیری گفتار افراد دارد و گویشوران بومی‌ماندارین هنوز بسیاری از مفاهیم مطرح شده در آیین کنفوسیوس را دنبال می‌کنند. پن و کدر (2011) در مرور مقایسه‌ای از ادب چینی تاریخی نشان دادند ادب در زبان‌ماندارین در اواخر قرن نوزدهم و بیستم دستخوش تحول بزرگی شده است. در مطالعه تجربی کلان مقیاس لی‌وونگ (2000) چینی‌زبانان تأکید بیشتری بر کاربرد عبارات خطابی داشتند که فاصله اجتماعی نسبی و قدرت نسبی را مشخص می‌کند. رعایت نکردن هنجارهای اجتماعی با استفاده از عبارات نامناسب و غیره، بی‌ادبی محسوب می‌شود و روراستی و رک‌گویی نه وجهه را تهدید می‌کند و نه تحمیل‌کننده است، بلکه نشان‌دهنده همبستگی درون‌گروهی است. یافته‌ها همچنین تفاوت‌های بازنمایی ادب مرتبط با سن و جنسیت را نشان می‌دهند.

جوو همکاران (2000) از نظرات مائو (1994) در مطالعه خود در مورد ارائه و پذیرش هدیه به زبان چینی حمایت کردند. و به این نتیجه رسیدند که «صداقت» و «تعادل» دو اصل از راهبردهای طرفین صحبت است و ردکردن هدیه از سوی گیرنده و اصرار بر پذیرش از سوی هدیه‌دهنده را نشانه ادب و نشان دادن صداقت هدیه‌دهنده و تواضع گیرنده دانسته‌اند؛ درحالی‌که این شیوه در زبان‌های غربی چندان مؤدبانه به نظر نمی‌رسد.

پن (۲۰۱۱) الگوهای رفتار مؤدبانه را در چین در سه محیط مختلف رسمی، تجاری و خانوادگی بررسی کرد و نشان داد ادب از طریق مبادلات تعاملی آشکار می‌شود. انگیزه اساسی برای ادب چینی در شناخت وابستگی متقابل و نظم سلسله‌مراتبی نهفته است. همچنین وی مدلی مخاطب‌محور از ادب چینی را پیشنهاد می‌کند.

### ۳. چارچوب نظری

ادب به عنوان رفتار مطابق هنجارهای اجتماعی، ارتباط نزدیکی با ارزش‌های فرهنگی دارد و این ارزش‌ها تحت تأثیر عوامل اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی و دیگر عناصر هستند (Brown, 2024). بنابراین استانداردهای متفاوتی از ادب در بافت‌های مختلف فرهنگی جوامع وجود دارد (Yu, 2003; Zhu et al. 2000) و رفتار مؤدبانه، پدیده‌ای نسبی است؛ زیرا تشخیص رفتار مؤدبانه یا غیرمؤدبانه به بافت موقعیتی مربوط می‌شود. در میان نظریه‌های مختلف، نظریه پژوهشی نظام‌مند و عمیق در مورد ارجاع و دلالت ادب و وجهه براون و لوینسون (1987) و اصل ادب لیچ (1983) با وجود قدیمی بودن، بیشتر از سایر نظریه‌ها تأثیرگذار بوده‌اند. آنها بر این باورند که هر عضو جامعه وجهه خاص خود را دارد و وجهه را براساس نیاز فردی به دو گروه تقسیم می‌کنند: وجهه سلبی و وجهه ایجابی. وجهه سلبی به این معنی است که افراد آزادی عمل بدون دخالت دارند در حالی که دومی به معنای تمایل فرد تحسین شونده به تأیید یا تصویر ایجابی است. لیچ (1983)، نیز شش اصل درایت، سخاوت، تحسین، نزاکت، توافق و همدلی را به عنوان اصول ادب مطرح کرده است.

نتایج پژوهش‌های زبان‌شناسی اجتماعی نشان می‌دهد اصل ادب در جامعه چین، ماهیتاً تا حد زیادی با کشورهای غربی متفاوت است و این تفاوت‌ها در مفهوم ادب، تمرکز یا انتخاب اصل ادب، روش بیان ادب و غیره نشان داده می‌شود. اصل ادب چینی بر تمایز تأکید دارد و مفهوم تمایز در ادب زبانی در نشان دادن فاصله در رابطه و رتبه اجتماعی منعکس می‌شود که این مفهوم در کشورهای غربی مورد توجه نیست. همچنین الگوهای گفتاری مؤدبانه گویندگان چینی تحت تأثیر عواملی مانند سن، جنسیت و موقعیت اجتماعی است (Wang, 2022).

از نظر هورنگی (2019) در دیدگاه سنت چینی، رفتار مردم باید با انتظارات اجتماعی منطبق باشد. برخی از افراد حق دارند که دستورها، درخواست‌ها، پیشنهادات، توصیه‌ها، هشدارها، تهدیدها و غیره را به دیگران بدهند؛ و دیگران باید این رفتار را بپذیرند یا انجام دهند و گونه امری تنها می‌تواند توسط افراد مسن به افراد جوان‌تر، کارفرمایان به کارمندان، معلمان به دانش‌آموزان و والدین به فرزندان به کار رود، وگرنه غیرمؤدبانه به حساب می‌آید. چینی‌ها وقتی مورد تحسین واقع می‌شوند، برای نشان دادن حجب و حیا، خود را فرو می‌کاهند و تمجید را نمی‌پذیرند و این مفهوم با اصل فروتنی

منطبق است. لی<sup>۱</sup> (2000) و مائو<sup>۲</sup> (473: 1994) معتقدند رعایت ادب حول محور فروتنی و مقدم‌داشتن مخاطب بر خود می‌چرخد. علاوه بر لی‌وونگ<sup>۳</sup> (2000)، چو<sup>۴</sup> (2002) و وو<sup>۵</sup> (2004) که بر مفاهیم و جنبه‌های نظری ادب در چینی تمرکز کرده‌اند، برخی پژوهشگران نیز تحقیقات داده‌محور در مورد ادب زبانی در زبان چینی انجام داده‌اند. چن<sup>۶</sup> (2023) ضمن بررسی نظریه بروان و لوینسون و اصل ادب لیچ و یافتن تناقضاتی در بازنمایی ادب در زبان چینی با این نظریه‌ها، ادعا می‌کند براون و لوینسون نتوانسته‌اند از کارکرد ابزاری و هنجاری ادب در تعامل فراتر بروند. او چهار مفهوم اساسی در "ادب" سنتی چینی را معرفی کرده است: احترام<sup>۷</sup>، نزاکت<sup>۸</sup>، گرمی نگرشی<sup>۹</sup> و تزکیه نفس<sup>۱۰</sup>. به گفته هه<sup>۱۱</sup> (2000) احترام، تأیید وجهه ایجابی و موقعیت اجتماعی دیگران است؛ نزاکت را می‌توان به عنوان یکی از راه‌های خودفروکاهی<sup>۱۲</sup> در نظر گرفت؛ گرمی نگرشی به بیان دوستی و ابراز نگرانی خود نسبت به دیگران اشاره دارد؛ تزکیه نفس به انتخاب بیان زیبا و دوری از ناراستی و زشتی اشاره دارد که در پژوهش براون و لوینسون اشاره‌ای به این مفهوم نشده است.

وانگ ضمن بررسی مفهوم ادب زبانی در زبان‌های غربی و چینی، (2022) چهار مؤلفه اصلی برای ابراز مفهوم ادب زبانی عمده را معرفی کرد: عبارات تجلیلی<sup>۱۳</sup>، زبان فروتنانه<sup>۱۴</sup>، گفتار مؤدبانه<sup>۱۵</sup> و حسن تعبیر<sup>۱۶</sup>. عبارات تجلیلی مخاطب را در مرتبه بالاتری نسبت به گوینده قرار می‌دهند؛ زبان فروتنانه شامل عباراتی به منظور خودفروکاهی است؛ گفتار مؤدبانه شامل زبانی است که برای ابراز ادب از شگردهای خاصی بهره می‌برد و حسن تعبیر کاربرد عباراتی است که موجب کاهش بار معنایی منفی جمله است.

#### ۴. ادب در فرهنگ چین و مفهوم لی‌لی

به منظور تفسیر ادب در الگوهای گفتاری زبان چینی، درک فرهنگ ادب در چین بسیار مهم است. هورنگی (2020) استدلال می‌کند زبان و فرهنگ بسیار مرتبطند و فرهنگ گویندگان تأثیر چشمگیری بر شکل‌گیری گفتار آنها دارد. در فرهنگ چینی، ادب ارتباط نزدیکی با مفهوم وجهه دارد، که در زبان ماندارین<sup>۱۷</sup> به 面子 (miànzi) و 脸 (liǎn) ترجمه می‌شود. از آنجاکه ادب فرد به طور قابل توجهی بر جایگاه شخص و ارتباط او با دیگر افراد جامعه تأثیر می‌گذارد، گویندگان را بر آن می‌دارد که از الگوهای گفتاری مؤدبانه استفاده کنند. مفهوم ادب در فرهنگ چینی اغلب از آیین کنفوسیوس<sup>۱۸</sup>، به ویژه فلسفه 禮 (Lǐ)، نشأت یافته است. ارتباطات اجتماعی مناسب بخش مهمی از مفهوم اخلاقی لی (Lǐ) در نظر

گرفته می‌شود. (Wang, 2022). در کتاب منتخبات (論語 Lúnyǔ)، متشکل از متونی در مورد آموزه‌ها و افکار کنفوسیوس و همچنین در گفتگوهای کنفوسیوس و شاگردانش، بخش‌هایی به بحث درباره مفهوم لی اختصاص دارد. مثال‌ها برگرفته از نام<sup>۱۹</sup> (2015) و لگه<sup>۲۰</sup> (2013) است. مانند:

1. 禮, 無以立. (論語, 季氏 16.13)

Lǐ, wú yǐ lì.

اگر آداب و رسوم را نیاموزید، شخصیت شما تثبیت نمی‌شود و جایگاهی در جامعه کسب نمی‌کنید. (منتخبات، گلچین ۱۳.۱۶) (نام، ۲۰۱۵)

2. 子曰: 克己復禮為仁. (論語, 顏淵 12.1)

Zǐ yuē: Kèjǐ fù lǐ wèi rén.

کنفوسیوس: فروکاستن خود و مقدم‌داشتن مخاطب بر خود فضیلت کامل است. (منتخبات، گلچین ۱۰.۱۲) (نام، ۲۰۱۵)

3. 子曰: 恭而無禮則勞, 慎而無禮則蕙, 勇而無禮則亂, 直而無禮則絞. (論語, 泰伯 8.2)

Zǐ yuē: Gōng ér wú lǐ zé láo, shèn ér wú lǐ zé xǐ, yǒng ér wú lǐ zé luàn, zhí ér wú lǐ zé jiǎo.

کنفوسیوس: احترامی که به رعایت مقدم‌داشتن مخاطب بر خود محدود نباشد، خسته‌کننده می‌شود؛ احتیاط بدون آداب، ترس به بار می‌آورد؛ جسارتی که با مقدم‌داشتن مخاطب بر خود محدود نشود، به نافرمانی منجر شده و سخن بی‌پرده و رک‌گویی بدون مقدم‌داشتن مخاطب بر خود، به بی‌ادبی و خشونت می‌انجامد. (منتخبات، گلچین ۲.۸) (نام، ۲۰۱۵)

4. 子曰: 道之以政, 齊之以刑, 民免而無恥; 道之以德, 齊之以禮, 有恥且格. (論語, 為政 2.3)

Zǐ yuē: Dào zhī yǐ zhèng, qí zhī yǐ xíng, mín miǎn ér wúchǐ; dào zhī yǐ dé, qí zhī yǐ lǐ, yǒu chǐ qiě gé.

کنفوسیوس: اگر مردم تحت رهبری سیاست‌ها و قوانین دولتی قرار گیرند، و با مجازات تنظیم شوند، سعی خواهند کرد از مجازات اجتناب کنند؛ اما احساس شرافت و شرمندگی نخواهند داشت. اگر آنها با نیروی اخلاقی هدایت شوند و نظم را با مقدم‌داشتن مخاطب بر خود حفظ کنند، احساس شرم خواهند کرد و به سعادت خواهند رسید (منتخبات، گلچین، ۳.۲) (نام، ۲۰۱۵).

این گزیده‌ها اهمیت مفهوم لی را در انجام تزکیه نفس و برقراری نظم اجتماعی نشان می‌دهد. لی موجب تنظیم و اصلاح رفتار اجتماعی می‌شود. محترم، محتاط، شجاع و صریح بودن از ویژگی‌های شخصیتی ارزشمند به شمار می‌روند، اما باید توسط لی مهار شوند تا شخص به اصل میانگین طلایی<sup>۲۱</sup>، (قانون اصلی رفتار در آیین کنفوسیوس) برسد. تسلیم‌کردن خود و مقدم‌داشتن مخاطب بر خود، فرد را قادر می‌سازد تا با نزدیک شدن به فضیلت کامل Rén (仁) (خیرخواهی)، که هدف نهایی و اندیشه اصلی فلسفه کنفوسیوس است، جایگاه ارزشمندی به دست آورد و خود را پرورش دهد. با رعایت لی، فرد در هر شرایطی رفتار مناسبی خواهد داشت. گزیده (۴) این انتظار یا توصیه به طبقات حاکم را نشان می‌دهد که هماهنگی اجتماعی تنها از طریق ترغیب اخلاقی و آموزش مقدم‌داشتن مخاطب بر خود، به مردم امکان‌پذیر است، در حالی که قانون و مجازات به عنوان امری کمینه و حداقل باید اعمال شود. علاوه بر کتاب منتخبات، یکی دیگر از منابع اصلی که در آن مفهوم لی به تفصیل آمده، کتاب مناسک چولی 禮記, 曲禮 (Lǐjì, qūlǐ) است که یکی از پنج کتاب کلاسیک آیین کنفوسیوس به شمار می‌رود. این کتاب متشکل از ۴۹ فصل است و مجموعه‌ای از متون را در خود جای داده که هنجارهای اجتماعی، قواعد مقدم‌داشتن مخاطب بر خود و انواع آیین‌های تشریفاتی را توصیف می‌کند. در همان فصل اول، جوهر لی این‌گونه تشریح شده:

5. 道德仁義，非禮不成，[...] 是以君子恭敬撙節退讓以明禮。(禮記, 曲禮, 上)  
Dàodé rényì, fēilǐ bùchéng, [...] shì yǐ jūnzǐ gōngjìng zǔnjié tuìràng yǐ míng lǐ.

فضیلت، خیرخواهی، و درستی را نمی‌توان به طور کامل بدون ادب و مقدم‌داشتن مخاطب بر خود انجام داد. [...] [کتاب مناسک، چولی، بخش ۱] (لگه، ۲۰۱۳).

6. 禮尚往來，往而不來，非禮也；來而不往，亦非禮也。人有禮則安，無禮則危。故曰：禮者不可不學也。(禮記, 曲禮, 上)

Lǐshàngwǎnglái, wǎng ér bù lái, fēilǐ yě; lái ér bù wǎng, yì fēilǐ yě. Rén yǒu lǐ zé ān, wú lǐ zé wēi. Gù yuē: Lǐ zhě bùkě bù xué yě.

قوانین ارزش اختصاصی و متضمن کنش متقابل و جبران خوبی هستند... اگر مردم قوانین مقدم‌داشتن مخاطب بر خود را رعایت کنند، در وضع امن قرار می‌گیرند؛ و اگر این کار را نکنند، در معرض خطر خواهند بود. از این رو گفته می‌شود قواعد و آداب مقدم‌داشتن مخاطب بر خود به هیچ وجه نباید فراموش شوند (لگه، ۲۰۱۳).



لی هم چارچوبی مفهومی و هم روشی عملی است. گزیده‌های (۵) و (۶) اهمیت تمرین لی در زندگی اجتماعی را برجسته می‌کند. جبران محبت و نیکی، نمونه‌ای از ادب اولیه است که حضور همه جانبه لی را در زندگی روزمره نشان می‌دهد. لی مناسب بودن رفتارهای اجتماعی را تجویز می‌کند. اگر شعائر و آداب مقدم‌داشتن مخاطب بر خود رعایت شود، مردم با آسودگی خاطر زندگی خواهند کرد و گرنه نظم جامعه مختل می‌شود. گزیده (۷) از کتاب مناسک به وضوح نشانگر پیوند بین لی، احترام و فروتنی است، و ادب را می‌توان با خردانگاشتن خود و بزرگداشت دیگری به دست آورد. اصلی‌ترین اصل گفتار مؤدبانه را در زبان چینی از این قرار است:

#### 7. 夫禮者，自卑而尊人 (禮記，曲禮上)

Fū lǐ zhě, zìbēi ér zūn rén (lǐjì, qū lǐ shàng)

لی در خردانگاشتن خود و تجلیل دیگران دیده می‌شود. (کتاب مناسک، چولی، بخش ۱) (لگه، ۲۰۱۳).

#### 8. 子曰：君子義以為質，禮以行之，孫以出之，信以成之。(論語，衛靈公 15.18)

Zǐ yuē: Jūnzǐ yì yǐwéi zhì, lǐ yǐ xíng zhī, sūn yǐ chū zhī, xìn yǐ chéng zhī.

کنفوسیوس: انسان شریف واقعی کسی است که درستکاری را به عنوان پیمان می‌پذیرد، آداب مقدم داشتن مخاطب بر خود را به عنوان تعهد می‌پذیرد، در فروتنی مانند شاگرد رفتار می‌کند و ایمان و صداقت را در رفتار نشان می‌دهد. (منتخبات، گلچین، ۱۸۰۱۵) (لگه، ۲۰۱۳).

در گزیده (۸) کنفوسیوس بر درستکاری، آداب مقدم داشتن مخاطب بر خود و فروتنی و ایمان تأکید می‌کند. به مردم چین از دوران کودکی آموزش داده شده متواضع باشند و باور داشته باشند فروتنی فضیلت است. اصطلاحات مختلفی از شایستگی فروتنی حمایت می‌کنند، مانند

#### 9. 食滿者多損謙卑者多福

Tān mǎn zhě duō sǔn qiānbēi zhě duō fú

فرد حریص و از خود راضی آسیب می‌بیند، فرد متواضع برکت می‌یابد. (لگه، ۲۰۱۳).

#### 10. 滿招損謙受益

Mǎn zhāo sǔn qiān shòuyì

ازخودراضی بودن منجر به شکست می‌شود، فروتنی سود می‌آورد. (لگه، ۲۰۱۳).

فروتنی به معنای بی‌کفایتی یا نداشتن جاه‌طلبی نیست و فرد متواضع همیشه در جامعه چین تحسین می‌شود. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود دو مفهوم مهم در لی، خودفروکاهی و تجلیل مخاطب است که در این مقاله بازنمایی زبانشناختی این دو مفهوم در زبان چینی و فارسی بررسی می‌شود.

## ۵. روش تحقیق، گردآوری و تحلیل داده‌ها

این پژوهش از نوع بنیادی است و به روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از پیکره‌های زبانی در تحلیل به بررسی هدف اصلی پژوهش می‌پردازد. داده‌های این پژوهش برای تحلیل تطبیقی از دوپیکره زبان چینی و فارسی گردوری شده است. گردآوری داده‌های زبان فارسی از پایگاه دادگان زبان فارسی به آدرس <https://pldb.ihs.ac.ir> صورت گرفته و داده‌های زبان چینی از CCL پیکره چینی مدرن دانشگاه پکن به آدرس [http://ccl.pku.edu.cn:8080/ccl\\_corpus](http://ccl.pku.edu.cn:8080/ccl_corpus) گردآوری شده است. این پیکره توسط مرکز زبان شناسی چینی PKU دانشگاه پکن چین با همکاری مؤسسه زبان شناسی محاسباتی دانشگاه پکن و موسسه فناوری محاسباتی آکادمی علوم چین توسعه یافته است. مطالعه تطبیقی روشی است که به تجزیه و تحلیل پدیده‌ها و سپس کنارهم قرار دادن آنها برای یافتن نقاط تمایز و تشابه می‌پردازد.

### ۱. عبارات تجلیلی<sup>۲۲</sup>

عبارات تجلیلی عباراتی هستند که در آن بزرگداشت مخاطب و تجلیل از او بازنمایی می‌شود. استفاده از نشانگرهای تجلیلی<sup>۲۳</sup> راهی مستقیم برای ابراز احترام از طریق بالا بردن جایگاه مخاطب نسبت به گوینده است. این مفهوم در زبان چینی و مفهوم لی جایگاه ویژه‌ای دارد. به طور کلی، نشانگرهای تجلیلی چینی فارسی را می‌توان به ضمائر، عبارات خطاب، گروه‌های اسمی و گروه‌های فعلی گروه بندی کرد.

### الف) تحلیل تطبیقی ضمائر تجلیلی در زبان چینی و فارسی

در زبان چینی معاصر بجای ضمیر دوم شخص مفرد 你 (nǐ) از ضمیر جمع شما 您 (nín) برای مخاطب قرار دادن شنونده استفاده می‌شود و مردم پکن بیشتر از سایر نقاط چین از ضمیر 您 (nín) استفاده می‌کنند. این جایگزینی ضمیر در ضمائر فارسی تو/ شما و او/ ایشان نیز مشاهده می‌شود، اما تفاوت زبان چینی و فارسی در این است که در زبان چینی فقط مخاطب مفرد نشانگر تجلیلی جمع دارد و برخلاف زبان فارسی برای ضمیر مفرد غایب 他 (tā) ضمیر تجلیلی وجود ندارد؛ بنابراین زبان فارسی در بازنمایی ضمائر نشانگر تجلیلی پیچیدگی بیشتری دارد.

## ب) تحلیل تطبیقی عبارات خطاب تجلیلی در زبان چینی و فارسی

علاوه بر عناوین معمولی 太太 (Tàitai)، 小姐 (Xiǎojiě) (خانم)، عبارت 女士 (nǚshì) (خانم، بانو) اصطلاح مؤدبانه و محترمانه برای خطاب به زنان است. برای کسانی که دارای رتبه‌های اجتماعی بالا هستند، 夫人 (fūrén) کلمه مناسبی است که در مناسبت‌های رسمی استفاده می‌شود. 阁下 (géxià) به معنی عالی‌جناب معمولاً برای خطاب به شخصیت‌های سیاسی برجسته مانند رئیس جمهور یا دیپلمات‌های موجود در حلقه روابط خارجی استفاده می‌شود.

یکی از ویژگی‌های بارز عناوین خطاب و اسامی خویشاوندان در زبان چینی، تفاوت‌های ظریف و دقیق میان انواع مختلف روابط خانوادگی است. زبان چینی نظام پیچیده‌ای از نام‌های خویشاوندی ایجاد کرده و هر رابطه خانوادگی دارای یک اصطلاح خاص است. این عناوین خطاب خانوادگی به اعضای بیرونی نیز تعمیم داده شده، و افراد تمایل دارند افراد غیرخویشاوند را با اصطلاحات مربوط به خانواده خطاب کنند. به کودکان آموزش داده می‌شود، خانم‌هایی را که دوست خانواده هستند، خاله 阿姨 (āyí) (به معنی خاله)، خطاب کنند و آقایان را عمو 叔叔 (shūshu) (به معنی عموی بزرگ) و یا 伯伯 (bóbo) (به معنی عموی کوچک)، و سالمندان را پدر بزرگ 爷爷 (yéyé) و مادر بزرگ 奶奶 (nǎinǎi) بنامند. اگر بافت خطاب شامل کسانی کوچکتر از گوینده باشد، کاربرد 弟弟 (dì) برادر کوچکتر یا 妹妹 (mèi) خواهر کوچکتر حاکی از صمیمیت بین گوینده و مخاطب است، هرچند هیچ نسبت خونی بین آنها وجود ندارد. این ویژگی زبانی پدیده فرهنگی مهمی را نشان می‌دهد که مردم چین ترجیح می‌دهند با دوستان یا آشنایان خود مانند اعضای خانواده رفتار کنند. از این رو، خطاب کردن غیرخویشاوندان با عناوین خویشاوندی رویه‌ای عمومی است و خطاب کردن دیگران با اصطلاحات خویشاوندی به عنوان وسیله‌ای برای نشان دادن ادب در جامعه چین شناخته می‌شود.

در زبان چینی صفت‌های متعددی به عنوان پیشوند برای ساخت واژه‌های مرکب تجلیلی به کار می‌روند. تکواژ 令 (Lìng) وقتی به عنوان صفت عمل می‌کند، معنی خوب یا عالی دارد. این تکواژ صفتی به عنوان پیشوند تجلیلی برای تشکیل نام‌هایی برای اشاره به اعضای خانواده مخاطب به معنای «مهربان» عمل می‌کند.

به عنوان مثال، 令尊 (Lìngzūn) عبارت خطاب تجلیلی به معنی اعلی‌حضرت است. سایر واژه‌های مشابه را می‌توان برای اعضای خانواده ساخت؛ مانند 令堂 (lìng táng) والدین محترم، 令兄 (Lìng)

(xiōng) برادر بزرگتر مهربان، (Lìng mèi) 令妹 خواهر کوچکتر مهربان، (Lìng qīn) 令亲 اقوام مهربان و تعداد بسیاری واژه مرکب از این قبیل. با عبارت پرسشی 贵姓? (guìxìng?) (نام خانوادگی محترم شما؟) مؤدبانه نام خانوادگی دیگری را می‌پرسند.

賢 (xián) به معنی توانا، با استعداد و با فضیلت نیز تکواژی صفتی است که در نقش پیشوندی برای ساختن نام‌های تجلیلی مرکب عمل می‌کند. واژه‌های مرکب ساخته شده با این پیشوند هنگام خطاب به کسانی که در سنین یا نسل‌های کوچکتر از گوینده هستند، استفاده می‌شود که با حس تمجید و تأیید گفته می‌شود. 贤弟 (xiándì) برادر کوچکتر با فضیلت تو؛ 贤妹 (xiánmèi) خواهر کوچکتر با فضیلت تو، و واژه‌هایی از این قبیل. پیشوند 贤 (xián) بیشتر در گونه نوشتاری زبان و نه گونه گفتاری، برای اشاره به بستگان خود بغیر از اعضای نزدیک خانواده، مانند 贤婿 (xián xù) به معنی داماد و 贤侄 (xiánzhí) برای برادرزاده استفاده می‌شود.

در مقایسه با 贤 (xián)، تکواژ صفتی 尊 (zūn) به معنی محترم، و ارشد اغلب برای اشاره به فردی که دارای مقام بالاتر است به کار می‌رود، مانند 尊家 (zūn jiā) خانواده محترم، 尊翁 (zūn wēng) پدر محترم، 尊祖 (zūn zǔ) پدربزرگ محترم، 尊富人 (zūn fù rén) همسر محترم. و عبارت 尊姓大名 (zūn xìng dà míng) نام خانوادگی محترم روشی مؤدبانه و رسمی برای استعلام نام کامل است. داده‌ها نشان می‌دهد عبارات تجلیلی در زبان چینی در سطح صرفی و از طریق ساخت واژه‌های مرکب با اضافه شدن تکواژ صفتی در نقش پیشوندی به اسم به دست می‌آید.

در زبان فارسی، برای خطاب گفتاری مرد و زن دو عبارت آقا و خانم عبارات رایجند و گویشوران زبان فارسی به منظور هرچه رسمی کردن کلام می‌توان واژه جناب را به واژه آقا و (جناب آقای علی رضایی) واژه سرکار را به واژه خانم (سرکار خانم مریم محمدی) اضافه کرد. این دو واژه هم به تنهایی به کار می‌روند و هم، بسته به شرایط و مکان گفتمان، همراه با عناوین شغلی (جناب سروان) نیز کاربرد دارند؛ همچنین ترکیبی با عنوان کلی، عنوان شغلی، نام کوچک و نیز نام خانوادگی: جناب آقای استاد احمد محمدی. واژه قربان نیز برای خطاب قرار دادن مرد به تنهایی به کار می‌رود. نقش سیاسی اجتماعی نیز در برخی عبارات خطاب آشکار است (احمدخانی ۱۳۹۳)؛ عباراتی همچون شاهزاده، اعلی‌حضرت، علیاحضرت و عالی‌جناب و نیز حضرت آقا. اسامی خویشاوندی در زبان فارسی به گستردگی زبان چینی نیست. آقازاده، واژه‌ای است برای عبارت تجلیلی در معنای فرزندان. برای بازنمایی ادب به اسامی خویشاوندان از صفت‌هایی مانند محترم، عزیز و بزرگوار و مکرم استفاده

می‌شود، مانند پدر بزرگوار، مادر محترم/ مکرم. حاج آقا و حاج خانم برای خطاب به والدین خود و دیگران در بافت‌های سنتی در ایران مرسوم است. در زبان فارسی نیز برای ایجاد صمیمیت مخاطب را با اسامی خویشاوندی صدا می‌زنند مانند داداش، آجی، خواهر و .... مانند زبان چینی، در زبان فارسی نیز بچه‌ها مردان فامیل و آشنایان را عمو و زنان خویشاوند و دوستان مادرشان را خاله و مسن‌ترها را پدر بزرگ و مادر بزرگ می‌خوانند. در زبان فارسی نوشتاری می‌توان به عبارات ذکر شده در گونه گفتاری، صفت‌های محترم، گرامی، بزرگوار، ارجمند و ... را اضافه کرد و از طریق گسترش گروه اسمی با اضافه کردن وابسته صفتی به عبارات تجلیلی دست یافت؛ مانند والدین ارجمند، فرزند عزیز/ خلف. نمونه‌ای از عبارت خطاب محترمانه در نامه‌های اداری فارسی از این قرار است:

جناب آقای دکتر احمدی گرامی؛ مدیر محترم شرکت بهسان

در این مثال علاوه بر ذکر واژه گرامی پس از نامه شخص، پس از عنوان شغل نیز واژه محترم اضافه شده است. برای پرسیدن نام و شغل تجلیلی دو عبارت اسم شریف شما و شغل شریف شما رایج است. به این ترتیب در زبان فارسی از گسترش گروه اسمی در سطح نحوی و کاربرد صفت‌های محترمانه برای ساخت عبارات خطاب تجلیلی استفاده می‌شود.

### ج) تحلیل تطبیقی گروه‌های اسمی تجلیلی در زبان چینی و فارسی

در زبان چینی تکواژهای صفتی 貴 (guì)، 令 (Lìng)، 賢 (xián)، 高 (gāo) به عنوان پیشوند برای ساخت واژه‌های مرکب تجلیلی به کار می‌روند. تکواژ صفتی 貴 (guì) به معنی گران یا گرانبها، هنگامی که به عنوان پیشوند تجلیلی استفاده می‌شود، به مفهوم ممتاز یا محترم اشاره می‌کند. واژه‌هایی که با این تکواژ واژه مرکب می‌سازند، معمولاً در مناسبت‌هایی ظاهر می‌شوند که با تشریفات سروکار دارند، مانند تجارت یا امور خارجی. عبارات رایج عبارتند از: 贵国 (guìguó) کشور ممتاز، 贵国人民 (guìguó rénmin) مردم ممتاز کشور، 贵公司 (guì gōngsī) شرکت گرانقدر، 贵校 (guìxiào) مدرسه ممتاز، 贵体 (guìtǐ) بدن ارزشمند، 贵刊 (guìkān) مجله گرانقدر، 贵报 (guìbào) روزنامه گرانقدر، 贵宾 (guìbīn) شخص مهم (vip)، 贵客 (guìkè) مهمان محترم، 贵家长 (guìjiāzhǎng) والدین محترم شما، 贵子弟 (guìzǐdì) فرزند گرانقدر شما و واژه‌های مرکب دیگر از این دست. این عبارات در بافت نوشتاری و مکاتبات رسمی استفاده می‌شوند. در یک محیط اداری، ممکن است مسئول

پذیرش از بازدیدکننده بپرسد: 您有和贵干? (nín yǒu hé guì gàn?) به معنی شما چه کسب و کار محترمی دارید؟

برخی از عبارات تجلیلی حاوی تکواژ صفتی 高 (gāo) به معنی بلند هستند. 高见 (gāojiàn) به معنی نظر یا توصیه محترم و 高就 (gāojiù) به معنی شغل شریف و 高寿 (gāoshòu) به معنی سن شریف است. 高足 (gāozú) به معنی پاهای بلند واژه‌ای است که برای اشاره به شاگردان نمونه به کار می‌رود و 高手 (gāoshǒu) به معنی دست بلند به کسی اطلاق می‌شود که در یک زمینه خاص متخصص یا استاد است.

府 (fǔ) به معنی عمارت واژه‌ای است برای نامگذاری محل اقامت مقامات عالی رتبه یا شخصیت‌های برجسته. 总统府 (zǒngtǒngfǔ) محل اقامت رئیس جمهور (سالن ریاست جمهوری) است و برای پرسیدن محترمانه زادگاه نیز به کار می‌رود. همان‌گونه که داده‌ها نشان می‌دهد ساخت عبارات تجلیلی در زبان چینی از طریق ساخت واژه‌های مرکب با اضافه شدن تکواژ تجلیلی در نقش پیشوندی رخ می‌دهد.

گسترده‌ی واژه‌های تجلیلی مربوط به تجارت و تشریفات رسمی در زبان فارسی به مراتب کمتر از زبان چینی است. در زبان فارسی عبارت تجلیلی نه از طریق ساخت واژه مرکب که با گسترش گروه اسمی با صفت‌های بیانگر ادب و احترام صورت می‌گیرد و مفهوم ادب در قالب ساخت نحوی بازنمایی می‌شود مانند همسر یا همکار محترم، شرکت محترم/ معظم، روزنامه و مجله وزین، سن شریف، وقت شریف، شغل شریف و عمر مبارک. گاهی در تعارفات از خانه مخاطب، با عبارت خانه امید ما نیز یاد می‌شود. در زبان فارسی واژه غیربسیط تجلیلی با استفاده از پیشوندهای تجلیلی یا ترکیب تکواژهای تجلیلی یافت نشد.

## ۶. تحلیل تطبیقی گروه‌های فعلی تجلیلی در زبان چینی و فارسی

برخی فعل‌های مرکب تجلیلی از ترکیب فعل اصلی با تکواژهای تجلیلی مانند 敬 (jìng), 恭 (gōng), 拜 (bài) به معنی تعظیم کردن، احترام گذاشتن تشکیل شده‌اند. البته تکواژه‌های دیگر تجلیلی برای ساخت فعل‌های غیربسیط تجلیلی وجود دارد.

نمونه‌هایی از افعال تجلیلی با تکواژ 恭 (gōng) عبارتند از: 恭候 (gōnghòu) با احترام منتظر ماندن، 恭迎 (gōng yíng) با احترام استقبال کردن، 恭祝 (gōng zhù) با احترام آرزو کردن، 恭喜 (gōngxǐ) با احترام تبریک گفتن، و از این قبیل.

تعدادی از افعال مرکب دارای تکواژ 敬 (jìng)، عبارتند از: 敬告 (jìnggào) اطلاع رسانی کردن محترمانه، 敬贺 (jìnghè) تبریک گفتن با احترام، 敬候 (jìng hòu) با احترام منتظر ماندن، 敬祝 (jìng zhù) با احترام آرزو کردن، 敬请 (jìngqǐng) با احترام خواهش کردن (لطفاً).

چند فعل مرکب ساخته شده با تکواژ تجلیلی 奉 (fèng) عبارتند از 奉还 (fènghuán) بازگشتن محترمانه، 奉劝 (fèngquàn) توصیه کردن محترمانه، 奉送 (fèngsòng) / 奉赠 (fèng zèng) تقدیم کردن با احترام، 奉陪 (fèng péi) همراهی کردن محترمانه مخاطب در مسیر، 奉告 (fèng gào) اطلاع رسانی کردن محترمانه، و از این قبیل.

تکواژ 拜 (bài) به معنای تعظیم کردن است که برخی از افعال مربوط به زیارت محترمانه را می‌سازد. به عنوان مثال 拜访 (bàifǎng) به معنی بازدید کردن محترمانه برای بازدیدهای معمولی استفاده می‌شود، در حالی که 拜会 (bàihuì) و 拜议 (bàiyì) نشان دهنده بازدیدهای رسمی با مقامات رسمی است. 拜托 (bàituō) به معنی با احترام درخواست کردن و 拜读 (bàidú) با احترام (افتخار) خواندن است. بررسی داده های زبان چینی نشان می‌دهد، فعل های تجلیلی نیز مانند اسم های تجلیلی از ترکیب با تکواژهای تجلیلی به دست می‌آید.

در زبان فارسی فعل‌های تجلیلی برای بزرگداشت مخاطب عبارت خاصی دارد و برخلاف زبان چینی از ترکیب فعل اصلی با تکواژ یا پیشوند دیگر به دست نمی‌آید. تشریف آوردن، تشریف فرما شدن، حضور به هم رساندن و قدم رنجه فرمودن به معنی آمدن؛ تشریف بردن به معنی رفتن؛ لطف فرمودن / مرحمت فرمودن / مبذول فرمودن / مبذول داشتن / عطا کردن به معنی دادن؛ ملاحظه فرمودن به معنی نگاه کردن و توجه کردن؛ دستور فرمودن / مقرر فرمودن / امر کردن به معنی دستور دادن؛ فرمودن / اظهار فرمودن به معنی گفتن؛ ارائه فرمودن به معنی دادن؛ میل کردن به معنی خوردن؛ بنده نوازی کردن به معنی محبت کردن؛ مستحضر بودن به معنی دانستن؛ و مشرف فرمودن به معنی خوش آمدن و غیره.

در برخی فعل‌های مرکب تغییر همکرد فعلی به فرمودن موجب ساخت فعل تجلیلی می‌شود در این فعل‌ها فرمودن جایگزین همکرد فعلی‌کردن شده است: دعوت/ معاف/ پرداخت/ اصرار/ اختیار/ سرافراز/ عطا فرمودن و از این قبیل و در برخی فعل‌ها فرمودن جایگزین همکرد دادن شده است مانند دستور/ تشکیل فرمودن.

## ۲. عبارات فروتنانه

فروتنی<sup>۲۴</sup> شیوه رفتاری ممتازی است که در تعامل اجتماعی مورد انتظار است. از دیدگاه غرب، رفتار فروتنانه و خودفروکاهانه معمولاً به گوشه‌گیری یا نبود اعتماد به نفس تعبیر می‌شود. با این که فروتنی و تواضع ممکن است تا حدی نیت واقعی فرد را پنهان کند، اما از دیرباز در فرهنگ چینی فروتنی فضیلت محسوب می‌شود (هورنگ-یی، ۲۰۲۰). درحالی‌که فرهنگ‌های غربی انتظارات متفاوتی دارند، تعجب آور نیست که مردم چین در وهله اول هنگام دریافت تعارف، حرف‌های فروتنانه را بیان می‌کنند، چراکه فروتن ماندن یا تواضع، قانون طلایی تعاملات اجتماعی است. در تحلیل عبارات فروتنانه می‌توان ضمائر، عبارات خطاب، گروه‌های اسمی و گروه‌های فعلی را بررسی کرد.

بسیاری از نشانگرهای تجلیلی، مشابه‌های فروتنانه دارند. در زبان چینی بجای استفاده از ضمیر اول شخص مفرد 我 (wǒ) من، گوینده ممکن است در گونه شفاهی یا نوشتاری، از اصطلاح فروتنانه برای اشاره به خود استفاده کند. انتخاب اصطلاح خودفروکاهانه<sup>۲۵</sup> مناسب به رابطه شخصی نسبی با مخاطب بستگی دارد. به طور معمول، در رابطه با هم‌تایان اجتماعی فرد یا هم‌نسلان اصطلاح فروتنانه به کار نمی‌رود. با این حال، 在下 (zàixià) به معنی پایین‌تر/ زیر شما زمانی که مناسب باشد، به جای ضمیر من قابل جایگزینی است. عبارت فروکاهانه 不才在下 (zàixià bùcái) نیز در هنگام اشاره فروتنانه به خود (به معنی شخص بی‌استعداد پایین‌تر از شما) به کار می‌رود. عبارات 愚兄 (yúxiōng) به معنی برادر بزرگتر احمق و 愚弟 (yúdì) به معنی برادر کوچکتر احمق، ممکن است در میان مردان برای اشاره به خود در نوشتن رسمی هنگام خطاب به دوستانی از همان نسل استفاده شود، زیرا غیرمعمول نیست که دوستان صمیمی با یکدیگر مانند برادر رفتار کنند.

در زبان فارسی به جای ضمیر من عبارات فروتنانه بنده و این‌جانب به کار می‌رود. این حقیر و بنده کمترین در گذشته در مقابل افراد فرادست اجتماعی به کار می‌رفته که اکنون کاربرد بسیار اندکی دارد. خطاب خود با عبارات فروکاهانه مرکب مانند زبان چینی در فارسی مرسوم نیست.



در زبان چینی هنگام صحبت در مورد خود، واژه‌های مرکبی به کار می‌رود که از اضافه شدن تکواژ صفتی فروتنانه در نقش پیشوندی به واژه اصلی تشکیل می‌شود. 拙见 (zhuōjiàn) به معنی نظر ضعیف من (صفت 拙 (zhuō) در نقش پیشوند به معنی ضعیف)، 浅见 (qiǎnjiàn) به معنی نظر کم عمق من (صفت 浅 (qiǎn) در نقش پیشوند به معنی کم عمق)؛ 愚见 (yújiàn) به معنی نظر احمقانه من (صفت 愚 در نقش پیشوند به معنی احمقانه) به کار می‌رود که در این موارد نیز برای ساخت عبارات فروتنانه از واژه مرکب متشکل از صفت در نقش پیشوند و اسم بهره برده شده است.

دو واژه 家 (jiā) و 舍 (shě) به معنی خانه و خانواده به عنوان پیشوندهای خودفروکاهانه هنگامی که اعضای خانواده گوینده ذکر می‌شود به کار می‌رود. نمونه‌هایی مانند 家父 (jiāfù) پدر، 家母 (jiāmǔ) مادر، 家姐 (jiājiě) خواهر بزرگتر، 家兄 (jiāxiōng) برادر بزرگتر، 舍弟 (shědì) برادر کوچکتر، 舍妹 (shěmèi) خواهر کوچکتر واژه‌هایی مرکب هستند که به اعضای خانواده معنی فروکاهانه می‌افزاید.

همچنین برای اشاره فروکاهانه به سایر اعضای خانواده مانند شوهر، همسر یا فرزندان از واژه‌های غیربسیط متنوعی استفاده می‌شود: 外子 (wàizi) شخص بیرونی برای شوهر من؛ 内子 (nèizi) یا 内人 (nèiren) شخص داخلی برای همسر؛ 小儿 (xiǎo'ér) پسر کوچک؛ 犬子 (quǎnzǐ) به معنی پسر سگ بجای پسر من؛ 小女 (xiǎonǚ) دختر کوچک بجای دختر من. تکواژ 舍 (shě) به معنی محل سکونت با تکواژه‌های دیگر ترکیب و عبارات فروتنانه ساخته می‌شود، مانند 舍下 (shě xià) به معنی خانه پایین و 寒舍 (hánshè) به معنی خانه سرد و کهنه.

تکواژ 敝 (bì)، به معنای «فرسوده، شکسته، پاره شده»، پیشوندی است که در ساخت عبارات فروکاهانه برای جای‌ها به کار می‌رود: 敝国 (bìguó) به معنی کشور فرسوده من، 敝公司 (bìgōngsī) شرکت خراب من، 敝校 (bìxiào) به معنی مدرسه فرسوده من.

در زبان فارسی عبارت‌های فروتنانه بیشتر در قالب افعال بروز می‌یابند و گروه‌های فعلی فروتنانه نیز عبارت خاصی دارند مانند خدمت رسیدن به معنی آمدن، مرخص شدن و زحمت را کم کردن به معنی رفتن و از این قبیل.

مردان همسر خود را خانم من یا همسر من خطاب می‌کنند و در گذشته در بافت‌های سنتی و مذهبی برای مشخص نشدن نام همسر از عباراتی مانند حاج خانم، مادر بچه‌ها و منزل استفاده می‌شده که در

این موارد فروتنی مد نظر نیست و صرفاً حفظ محرمانگی نام همسر مد نظر است. در فارسی در هیچ بافتی برای افراد بزرگ خانواده و افراد فرادست اجتماعی و کشور و شهر و وطن عناوین فروکاهانه به کار نمی‌روند، درحالی‌که در زبان چینی حتی برای والدین و اعضای خانواده عبارات فروکاهانه وجود دارد. واژه بنده زاده به عنوان عبارت فروکاهانه به معنی فرزند به کار می‌رود. گروه‌های اسمی کلبه درویشی و کلبه خرابه در برابر گروه اسمی تجلیلی خانه امید ما در زبان فارسی به کار می‌رود.

## ۷. نتیجه

گفتار مؤدبانه در بسیاری از زبان‌ها برای حفظ فضای مطبوع و ارتباط بین فردی خوب ضروری است. از نظر ساختار زبانی، می‌توان ادب را در سطح نحوی<sup>۲۶</sup>، مورفوسنتتیک واژنحوی<sup>۲۷</sup> یا واژگانی<sup>۲۸</sup> نشان داد. زبان چینی به عنوان زبانی معناگرا<sup>۲۹</sup> دارای طرح‌واره‌های ترکیبی<sup>۳۰</sup> یا تصریفی<sup>۳۱</sup> نیست و با تکیه بر مفهوم ارتقا دیگران و فروکاست خود، فهرست غنی از واژگان مربوط به نشان دادن ادب و احترام، یا فروتنی در گفتار یا نوشتار رسمی را توسعه داده است.

مطالعه حاضر به بررسی مبانی فرهنگی ادب در زبان چینی، عمدتاً برگرفته از آموزه‌های کنفوسیوس، پرداخته و عبارات تجلیلی و فروتنانه در قالب ضمائر، عبارات خطاب، گروه‌های اسمی و فعلی در زبان چینی و فارسی بررسی شد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد ادب در زبان چینی در سطح صرفی و واژگانی متجلی است و واژه‌های مرکب تجلیلی و فروتنانه از ترکیب اسم یا فعل اصلی با تکواژهای تجلیلی یا فروتنانه در نقش پیشوندی ساخته می‌شود. در زبان فارسی نیز ادب در کاربرد ضمائر، واژه‌ها و گروه‌های اسمی و فعلی متجلی است و افراد برای ابراز ادب صفات متنوعی را به اسم یا قیده‌های تجلیلی را به فعل می‌افزایند و از طریق گسترش گروه اسمی یا فعلی ساخت‌های تجلیلی یا فروتنانه شکل می‌گیرد بنابراین ادب در زبان فارسی بیشتر در سطح نحوی عمل می‌کند. همچنین در زبان فارسی معادل‌های تجلیلی و فروتنانه خاصی برای برخی افعال وجود دارد. در نهایت می‌توان گفت در مقایسه با زبان فارسی، چینی فهرست واژگانی نسبتاً پیچیده‌ای را برای بیان ادب و احترام در گفتار و نوشتار رسمی ایجاد کرده و دو زبان در دو سطح مختلف زبانی ادب را بازنمایی می‌کنند.

## ۸. پی‌نوشت‌ها

1. Li
2. Mao
3. Lee-Wong
4. Chu
5. Wu
6. Chen
7. respectfulness
8. modesty
9. attitudinal warmth
10. refinement
11. He
12. disparaging oneself
13. honorifics
14. humble language
15. courteous speech
16. euphemisms

۱۷. ماندارین به گروهی از زبان‌های چینی اطلاق می‌شود که در شمال و جنوب غرب چین به طور خاص صحبت می‌شود. این زبان به عنوان زبان رسمی و اداری کشور چین و تایوان چین به کار می‌رود. زبان چینی ماندارین به روشی که در پکن و اطراف آن صحبت می‌شود، پایه و اساس چینی استاندارد مدرن را تشکیل می‌دهد.

18. Confucianism
19. Nam
20. Legge
21. principle of *golden mean*
22. Honorifics
23. Honorific marker
24. Humility
25. self-depreciatory term
26. synthetic
27. morphosynthetic
28. lexical
29. semantically-oriented language
30. conjugation
31. inflections

## منابع

- احمدخانی، م.ر. (۱۳۹۳). بررسی جامعه‌شناختی عبارات خطاب در فارسی گفتاری محاوره‌ای، *زبان‌شناخت*، ۱(۱)، ۱-۱۸.
- ایزدی، ا. و مشکین‌فام م. (۱۴۰۲). تحلیلی پیکره‌بنیاد بر سیر تحول مفهوم «ادب» در جامعه فارسی- زبان ایران (۱۳۵۰-۱۳۹۰). *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره ۶۸، ۶۷-۱۰۲.
- آذرپند س. (۱۳۹۸). تغییرات راهبرد زبانی «خطاب» بر اساس نظریه ادب براون و لوینسون بین استادان و دانشجویان ایرانی: مطالعه موردی دانشگاه تهران، *زبان‌شناسی اجتماعی*، ۲(۲)، ۸۳-۹۸.
- آهنگر، ع.ع؛ مجاهدی، س. و اسفندیارپور ف. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر قدرت مخاطب بر گزینش راهبردهای ادب در کنش گفتاری نصیحت‌کردن در زبان فارسی، *زبان‌شناسی اجتماعی*، ۳(۲)، ۸۵-۱۰۱.
- باغبانی، غ. و کرمپور ف. (۱۳۹۶). بررسی چگونگی رابطه بین شاخص قدرت و پدیده ادب زبانی در روند بازجویی به لحاظ زبان‌شناختی: رویکرد گفتمانی و حقوقی، *پژوهش‌های زبانی*، ۱-۲۰.
- خمیجانی فراهانی، ع.ا؛ برزآبادی فراهانی، د. و بازارمچ حق‌ع. (۱۴۰۰). بررسی راهبردهای کلان و خرد ادب در کتاب‌های زبان انگلیسی دوران اول و دوم متوسطه مدارس ایران، *پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی*، ۱۱(۴)، ۶۵۵-۶۸۱.
- دانش، ا. و طوسی نصرآبادی م.ر. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های ادب زبانی در قابوسنامه با استفاده از نظریه ادب براون و لوینسون، دو فصلنامه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، ۹۱(۹)، ۱۲۹-۱۵۳.
- سلیمیان، س. و عبدالکریمی س. (۱۳۹۶). بازنگری تعریف مفهوم وجهه در فرهنگ ایرانی: بررسی کارایی‌های ادب کلامی در فرهنگ ایرانی، *نخستین همایش ملی ادب کلامی و اجتماع*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مؤمنی، ز.؛ علوی، ف. و حسینی ن. (۱۴۰۲). بررسی راهبردهای رعایت ادب در گفتگوهای کلاس درس از دیدگاه زبان‌شناسی اجتماعی، *زبان‌شناسی اجتماعی*، شماره ۴، ۲۷-۴۳.

## References

- Brown, P. (2024). Politeness. In *The International Encyclopedia of Linguistic Anthropology*, J. Stanlaw (Ed.). <https://doi.org/10.1002/9781118786093.iela0317>
- Brown, P. and Levinson St. (1987). *Politeness: Some Universals in Language Usage*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chen R. (2023). Pragmatics, Politeness, and Chinese Politeness. In: *Chinese Politeness: Diachrony, Variation, and Universals in Politeness Theory*. Cambridge University Press; 1-12.
- Chu, Ch. (2002). Relevance theory, discourse markers and the Mandarin utterance final particle *A/Ya*. *Journal of the Chinese Language Teachers Association* 37 (1). 1-41.
- He, Zh. (2000). *A New Introduction to Pragmatics*. Shanghai: Shanghai Foreign Language Teaching Press.
- Horng-Yi, L. (2020). Linguistic Politeness in the Chinese Language and Culture. *Theory and Practice in Language Studies*, 10(1). 1-9.
- Izadi, A. (2016). Over-politeness in Persian professional interactions. *Journal of Pragmatics* 102. 13- 23.
- Koutlaki, S. A. (2009). Two sides of the same coin: how the notion of 'face' is encoded in Persian communication. In Bargiela-Chiappini F. & Haugh, M. (eds.), *Face, Communication and Social Interaction*, 115-133. London: Equinox.
- Leech, G. (1983). *Principles of pragmatics*. London: Longman.
- Lee-Wong, S. M. (2000). *Politeness and Face in Chinese Culture*. Frankfurt, Germany: Peter Lang GmbH.
- Legge, J. (2013). *Book of Rites (Li Ji)*: English-Chinese version. By Confucius, et al; edited by Dai Sheng (AD 80); translated by J. Legge. Beijing: Intercultural Press.
- Li, Q. Ki. (2000). *Good-Bye, You or I? A Study of Linguistic Patterns in American and Chinese Leave-Taking after Dinner*. PhD Dissertation. Michigan State University.
- Lu, Y., and Huang, H. (2024). Being Polite in Intercultural Communication: A Case Study of Self and Addressee References in Mandarin Chinese. In: Korangy, A. (eds) *The Handbook of Cultural Linguistics*. Springer Handbooks in Languages and Linguistics. Springer, Singapore. [https://doi.org/10.1007/978-981-99-3800-1\\_42](https://doi.org/10.1007/978-981-99-3800-1_42)

- Mao L. M. R. (1994). Beyond politeness theory: 'Face' revisited and renewed. *Journal of Pragmatics*. 21. 451-486.
- Nam K-H. (2015) Li (禮), or Ritual Propriety: A Preface to a Confucian Philosophy of Human Action. *Diogenes*. 2015;62(2):71-80. doi:10.1177/0392192117703052
- Pan, Y. & Kádár, Z. (2011). Historical vs. contemporary Chinese linguistic politeness. *Journal of Pragmatics* 43, 1525-1539.
- Wang X. (2022). Linguistic Politeness in Mandarin. *Journal of Sociology and Ethnology* Vol. 4. 14-19. DOI: <http://dx.doi.org/10.23977/jsoc.2022.040803>.
- Wu, R. (2004). *Stance in Talk – A conversation analysis of Mandarin final particles*. Philadelphia PA: John Benjamins Publishing Company.
- Yu, M. (2003). On the universality of face: evidence from Chinese compliment response behavior. *Journal of Pragmatics* 35: 1679-1717.
- Zhu, H., Wei L. & Yuan Q. (2000). The sequential organization of gift offering and acceptance in Chinese. *Journal of Pragmatics* 32. 81-103.

## A Comparative Study of Lexical Techniques in Honorific and Humble expressions in Chinese and Persian

Zahra Abbasi<sup>1\*</sup>, Liu Yingjun<sup>2</sup>

1. Associate Professor of Persian Language Teaching, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran 2.  
Professor, Peking University

### Abstracts

politeness is an inseparable concept of human communication and its linguistic representation depends on the structure of linguistic societies and the patterns of social behavior in those societies. This article deals with the concept of politeness in Persian and Chinese languages and the study of linguistic techniques for expressing politeness in honorific and humble expressions in these languages. Pronouns, address titles, noun groups, and verb groups have been studied to examine the indicators of honorifics and humility. In Chinese, honorific and humble expressions are the constructions of compound nouns and compound verbs using honorific adjectival or self-depreciatory morphemes. These adjectival morphemes are added to nouns and verbs in the form of prefixes, forming honorific or humble compound constructions. Therefore, the representation of politeness in Chinese works at the morphological level and in Persian at the syntactic level. In the Persian language, speakers express their politeness by using the expansion of noun and verb groups by adding adjectives and honorific and self-depreciatory adverbs. Also, in the Persian language, some verbs have three types: Honorific, neutral, and self-depreciatory. The analysis of the address titles indicates a significant difference between the two languages. While the honorific and humble expressions in the Chinese language are much more common and widespread than in the Persian language, in the Persian language, the speaker does not use any humble phrases in any context for the elders and superiors, as well as for his country, city, and homeland, while in the Chinese language, humble expressions are also common for older people, the speaker's country, and city.

**Keywords:** linguistic politeness, Honorific markers, humble expressions, adjectival morpheme, Chinese language

---

E-mail: abasiz@modares.ac.ir